

ند

می‌شمارم و درستی این مسیر را، قضاوت و یا محکوم نمی‌کنم، ما باید به دنبال فضای گفتمانی باشیم که در آن هر طیف و قشری آزادانه کار خود را انجام دهند. مثلاً این که مرکز هنرهای نمایشی، متن‌ها را می‌خواند و در بازبینی آن‌ها را از زیر تیغ سانسور خود رد می‌کرد و ما هم این روند را پذیرفته بودیم، دلیل نمی‌شود که این اعمال فشار همیشگی باشد، چرا که در هر دوره به فراخور تغییرات اجتماعی، نیاز به بازنگری عمیق‌تری به قوانین و آئین نامه‌های سابق احساس می‌شود، در غیر این صورت ممکن است، تولیدات هنری در هر رشته به سمتی برود که دیگر به مجوز نیاز نداشته باشد. و همین‌طور در خارج از کشور به دنبال کسب اعتبار بین‌المللی باشند.

با این وضع، تکلیف، وضعیت معیشتی و مالی هنرمندانی که از این راه کسب درآمد داشته‌اند چگونه خواهد شد؟

هنرمندان، بخصوص آنهایی که در رشته تئاتر فعالیت می‌کنند، باید بدانند که وضعیت آن‌ها با بقیه افراد جامعه فرق می‌کند، باید قبول کنیم که در حال حاضر ما در وضعیت خاصی قرار گرفته‌ایم که امکان برگشت‌مان به وضعیت قبل از نظر شخصی بنده ناممکن است. و کسی که وظیفه سنگین هنرمندی را بر دوش خود احساس می‌کند، باید برای آن چه که فکر می‌کند، درست است، منافع شخصی خود را فدا کند. ممکن است هنرمندی حس کند باید در میدان عمل باشد و یا هنرمندی دیگر تصمیم به اعتصاب یا نفع‌ال بگیرد، این که کدام درست است یا غلط، جای بحث و گفتگو دارد، مسئله این است که هنرمند با توجه به نقشی که در جامعه دارد، او یا مشاغل دیگر قابل قیاس نیست و هنرمند با توجه به پیشه‌ای که انتخاب کرده است، از منافع شخصی خود به خاطر منافع جمعی می‌گذرد، در این میان ممکن است هر هنرمند روش خاص خود را داشته باشد. در این جا لازم است به همه دیدگاه‌ها و روش‌ها احترام بگذاریم. به عنوان مثال شخصی بنده در اعتراض به شرایط کنونی ترجیح داده‌ام، فعلاً با سازمان‌های تصمیم‌گیرنده در این حوزه ارتباطی نداشته باشم، با این که این روند برای بنده و همکارانم که در این زمینه سرمایه‌گذاری کرده‌ایم، غیر قابل جبران خواهد بود.

چه دورنمایی از این مسیر دارید؟

راستش نمی‌توانم هیچ دورنمایی را حدس زد، مهم ارتفاع جمعی است، که به‌ارای اکثریت همراه باشند، ممکن است این ارتفاع جمعی در میان مخلفینی ملند من نوعی باشد و یا اتفاقاً در جایی دیگر و به شکل دیگری رخ دهد، از نظر من، مهم رسیدن به وحدتی است که در آن نظریات اکثریت جامعه منعکس باشد. که قطعاً پس از آن، شرایط ایده‌آل‌تری در تولید و اجرای تئاتر خواهیم داشت و حتی شاید دیگر، سایر نگرانی‌های گذشته، مانند عدم استقبال مخاطب را نداشته باشیم، ما در حال عبور از مرحله‌ای به مرحله دیگر هستیم و این برآیند ناشی از نیازمان به تغییر بوده است، چرا که، معنا و مفهوم در هنر نقش تعیین‌کننده‌ای را بر عهده دارد، وقتی هنرمندی نتواند معنایی از جمله خود را در اثر خود جلمایی کند، عقیم خواهد ماند.

با توجه به این که کناره‌گیری هنرمندان کار بلند، سال‌ها آرزوی عده‌ای بوده است، احساس نمی‌کنید ناخواسته به آرزوی آن‌ها جامه عمل پوشانده‌اید؟

اگر از نظر شما، کناره‌گیری به معنی این است که هنرمند دیگر اثری تولید نکند، بله حق باشماست، می‌توان گفت این روند باعث توقف مسیر هنری در ایران می‌شود، من با این کناره‌گیری موافق نیستم، و همین حالا روی میز کار من پنج ایده اجرایی مرتبط با شرایط است، که در حال بررسی جوانب اجرایی و مالی آن‌ها هستم. حس من به دورنمای این روزها روشن است، حس می‌کنم بعد از طی شدن این دوره سخت، تئاتر روزهای اوج خود را تجربه خواهد کرد، و شاید حتی دیگر با مصائب مالی گذشته را نیز دیگر نداشته باشد.

هنر به جز معنی آفریدن، گله‌سی هم می‌تواند مفرح و سرگرمی‌ساز باشد، آیا در افق دید شما این مسئله نیز در نظر گرفته شده است، همان‌طور که جامعه در روزهای آتی در همین اوضاع، به استقبال بازی‌های جام جهانی خواهد رفت.

از نظر من، در این شرایط هر ظرفی تنها با این پیش شرط که، نگاهش را به اوضاع متفاوت کرده باشد، می‌تواند موثر باشد، مهم پذیرش و الزام به تغییر است، اگر در این مسیر باشیم، و همین که فعالیت و یا فعالیت‌تکرار ما محلی از پرسش و گفتگو شود، کیفیت.

دوران خاص عظیم می‌دانستند، وعده‌ای هم که موافق اجرا بودند، ادامه تعطیلی تئاتر را برای این هنر آسیب‌زایی دانستند. و البته عده‌ای که، انرژی و هزینه زیادی را برای آماده کردن محصول هنری خود صرف کرده بودند، که این تعطیلی یا انصراف از شرکت در جشنواره، باعث خسارت‌های معنوی و مادی برایشان در پی داشت. از نظر من بسط دادن نظر و دیدگاه شخصی خودمان به هر شخص دیگر در این شرایط در تعارض با دموکراسی است. باید توجه داشت، از مهم‌ترین رویکردهای این اعتراض، برقراری فضایی آزاد است که در آن هر فکر و اندیشه‌ای اجازه بیان و عمل داشته باشد. به‌طور کلی از نظر من، هر دو روند باید کمی در روش‌های خود تعدیل به عمل بیاورند، چه آن‌هایی که روش انفعال هنری را برگزیده‌اند، و چه آن‌هایی که اصرار دارند در این شرایط، با همان روش گذشته و مرسوم فعالیت خود را ادامه دهند، این که هنرمند خواهد بود یا همان متون سابق نمایشی چه ایرانی و چه خارجی حتی اگر با مفهوم اعتراضی هم باشد، مانند گذشته به کار خود ادامه دهد، به معنی بی‌توجهی او به جامعه‌ای است که در حال تغییر است، و بیش از پیش نیاز به انجام فعالیتی که در آن منافع جمعی در نظر گرفته شده باشد، حس می‌شود. من حتی گروه‌های رami شناسم که کار نمایش خود را آماده و مراحل اداری اجرا را هم، پشت سر گذاشته‌اند، اما به خاطر احترام به احساسات و عواطف جمعی، فعلاً از اجرای کار خود صرف نظر کرده‌اند، اما به هر حال، بنده به عنوان کسی که مخالف اجرای نمایش در این دوران هستم، نظر دوستان موافق در اجرای تئاتر را، محترم

سجاد داغستانی: مهم ارتفاع جمعی است، که برای اکثریت همراه باشد



در ادامه گفتگوی خبری صبا، به سراغ سجاد داغستانی رفتیم، وی از سال ۱۳۹۰ در حوزه تئاتر، نویسندگی، بازیگری و کارگردانی کرده و هفت اثر نمایشی را به روی صحنه برده است. ساخت دو فیلم کوتاه و تلخیص دو کتاب، از دیگر فعالیت‌های او در طول این سال‌هاست، او هم‌اکنون جزو هیئت‌مدیره تماشاخانه آژمان است.

آیا در حال حاضر نمایشی را بر روی صحنه دارید؟

خیر، آخرین نمایش ما، در روزهای پایانی اجرا با ناآرامی‌های اخیر مواجه شد. که ما برای تأمین امنیت تماشاگران از ادامه اجرا صرف نظر کردیم و در حال حاضر نیز، بنده و گروه هم شرایط اجرای تئاتر را، مساعد نمی‌دانیم، و لزومی برای اجرای نمایش به صورت گذشته و مرسوم نمی‌دانیم.

نظر شما در مورد گروه‌های دیگر تئاتری که در حال فعالیت هستند، چیست؟

نظر شخصی بنده با نظری که بعدتر به شکل جمعی به آن رسیده‌ام فرق می‌کند، من از شروع ناآرامی‌ها، تا هم‌اکنون گفتگوهایی با همکاران خود داشته‌ام، با طیف‌هایی که موافق اجرا یا مخالف اجرا بودند، عده‌ای مانند من اجرای تئاتر را در این